

نامهخوانی مالیات ۹۰۰ همتی ارزش افزوده با جیب مردم



دبیر گروه اقتصادی وحید عظیم‌نیا

دارد، چه آنکه اقتصاد در شرایط پیچیده‌ای قرار دارد و در چنین وضعیتی، اصلاح ساختار مالیات فقط ضرورتی است که بقای اقتصاد و کیفیت زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

چشم‌اندازی که این روزها از هوشمندسازی نظام مالیاتی ترسیم می‌شود، فضایی را تداعی می‌کند که در آن داده‌ها نقش اصلی را بر عهده می‌گیرند و دخالت سلیقه‌ای به حداقل می‌رسد. رصد جریان کالا و خدمات، دسترسی بی‌وقفه به اطلاعات تراکنش‌ها، اتصال سامانه‌ها و حذف رویه‌های قدیمی مانند رسیدگی‌های مبتنی بر حدس و گمان، می‌تواند چهره مالیات‌ستانی را دگرگون کند. چنین سیستمی امکان می‌دهد رفتار اقتصادی فعالان شفاف‌تر دیده شود و هزینه پنهان کاری یا فرار به‌شدت افزایش یابد. این تحول، اگرچه از منظر فنی پیچیده است، اما در نهایت به نفع مؤدیان خوش حساب عمل می‌کند و فضای پیش‌بینی‌پذیری بیشتری ایجاد می‌شود. در شرایطی که بسیاری از کسب‌کارها نگران بر خوردهای ناگهانی و ممیزی‌های طولانی هستند، چنین فضایی می‌تواند امنیت خاطر جدیدی ایجاد کند.

در کنار موضوع فناوری، مسئله عدالت اهمیت بیشتری دارد. فشار مالیاتی سال‌های اخیر، بیش از همه بر دوش کسانی قرار گرفته‌است که توان محدودتری داشته‌اند. خانواده‌ها و بنگاه‌های کوچک بخش عمده بار مالیات بر ارزش افزوده را تحمل کرده‌اند و کمتر شده‌ است کسانی در سطوح درآمدی بالا یا در حوزه‌هایی با نقدینگی سنگین، سهم منصفانه خود را ببر دارند. ارزش افزوده به دلیل ماهیت غیرمستقیمش، بر همه خریدهای روزمره تحمیل می‌شود و همین ویژگی آن را برای بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد به یکی از سنگین‌ترین هزینه‌های ماهانه بدل کرده است. مالیات ۹۰۰ همتی در قالب «ارزش افزوده» نشان می‌دهد چه میزان از منابع جامعه از طریق این پایه مالیاتی جمع‌آوری می‌شود و حجم آن ذهن را متوجه جایگاه واقعی این مالیات در بودجه عمومی می‌کند.

نرخ تکسسان ارزش افزوده در همه سطوح مصرف، پرسش‌هایی را درباره نیکساز و انصاف آن مطرح کرده‌ است. مصرف‌کننده‌ای که در آمد محدود دارد، همان درصدی را می‌پردازد که بنگاه‌های بزرگ یا مصرف‌کنندگان پردرآمد می‌پردازند. این شیوه باعث شده‌ است قدرت خرید خانوارها بیشتر از گذشته تضعیف شود و فشار هزینه‌های روزمره افزایش یابد. حذف این مالیات برای کالاهای و خدمات اساسی یا تعیین نرخ‌های ترجیحی برای آنها، می‌تواند بخشی از فشار فعلی را کاهش دهد. بدیهی است کاهش نرخ ارزش افزوده برای اقلام پایه، رویکردی موفق در حمایت از طبقات کم‌درآمد است و می‌تواند به تنظیم قیمت‌ها کمک کند. اگر چنین سیاستی اجرا شود، فرصتی فراهم می‌شود تا سفره خانوارها اندکی ترمیم شود و شوک‌های قیمتی کمتر اثر بگذارد. بخش تولید نیز از پیامدهای ارزش افزوده بی‌نصیب نمانده‌ است. بسیاری از تولیدکنندگان معتقدند این مالیات در زنجیره تولید دینار با اثر می‌گذارد و بازگشت اعتبار مالیاتی با تأخیرهای طولانی همراه می‌شود. در فضایی که هزینه‌های تولید با افزایش نرخ مواد اولیه و نوسانات بازار جهانی روبه‌رو است، هرگونه قفل شدن سرمایه در گردش می‌تواند توان بنگاه‌ها را کاهش دهد. کاهش یا اصلاح اساسی این پایه مالیاتی برای تولیدکنندگانی فرصت می‌آفریند تا با هزینه‌های کمتر فعالیت کنند و برنامه‌ریزی مالی دقیق‌تری داشته باشند. کاهش قیمت تمام‌شده، علاوه بر اینکه به رشد صادرات کمک می‌کند، امکان رقابت بهتر در بازار داخلی را نیز فراهم می‌آورد. این اثرات در نهایت به رونق اقتصادی و اشتغال بیشتر منجر می‌شود. اگر قرار است درآمد دولت کاهش نیابد، باید پایه‌های جدیدی جایگزین شود که ظرفیت بالقوه بیشتری دارند و عدالت را بهتر نمایندگی می‌کنند، چه آنکه اقتصاد سال‌هاست از فقدان مالیات بر دارایی‌های بزرگ یا فعالیت‌های سوداگرانه رنج می‌برد. خانه‌های خالی یا ارزش‌های چندده‌میلیاردی، خودروهای لوکس، سودهای کلان سرمایه‌گذاری، عایدی‌های ناشی از معاملات غیرمولد و تراکنش‌های سنگین بانکی هنوز در چارچوبی منسجم قرار نگرفته‌اند. تنظیم این پایه‌ها، علاوه بر ایجاد در آمد پایدار، می‌تواند رفتار اقتصادی و اصلاح منابع را از سوداگری به سمت تولید هدایت کند. دولت از این مسیر می‌تواند بخش بزرگی از درآمدهای لازم برای اداره کشور را تأمین کند، بدون آنکه بر دوش اقشار کم‌درآمد فشار بگذارد.

تحقق چنین اصلاحاتی نیازمند اراده و شجاعت سیاستگذارانی است. تغییر در ساختار مالیاتی به‌طور طبیعی مقاومت‌هایی را ایجاد می‌کند، زیرا منافع گروه‌هایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که سال‌ها از خلأهای قانونی یا نبود نظارت کافی بهره برده‌اند. با این حال، هر اصلاح عمیق اقتصادی نیازمند رویکردی است که منافع بلندمدت جامعه، را بر منافع کوتاه‌مدت برخی گروه‌ها ترجیح دهد. اگر سازمان امور مالیاتی می‌خواهد اعتماد عمومی را بازباید، باید نشان دهد اصلاحات را از مسیری پیش می‌برد که عدالت را در عمل تقویت کند. انتقال بار مالیاتی از مصرف‌روزمردم به دارایی‌ها و درآمدهای بالا، یکی از روشن‌ترین مصادیق چنین رویکردی است. بسیاری از شهروندان مال‌شیر مالیات پرداخت می‌کنند، اما کیفیت خدمات عمومی را متناسب با آن نمی‌بینند. جاده‌های آهمن، بیمارستان‌های پربروز، مدارس مناسب و شبکه حمل‌ونقل کارآمد، همگی به منابع مالی نیاز دارند؛ منابعی که در هر کشوری از طریق مالیات تأمین می‌شود. هنگامی که مردم مطمئن باشند مالیات‌شان را درست می‌دهند، مصرف می‌شود، مشارکت بیشتری نشان می‌دهند. در مقابل، هنگامی که فشار مالیاتی بر دوش قشر ضعیف قرار گیرد، احساس بی‌عدالتی تقویت می‌شود و اعتماد عمومی آسیب می‌بیند. مالیاتی که با در آمدافزاد تناسب داشته باشد و در بستری شفاف مصرف شود، مشروعیت پیدا می‌کند و اثر مثبت بر جامعه می‌گذارد.

سازمان امور مالیاتی اکنون در مقطعی قرار دارد که می‌تواند مسیر آینده نظام مالیات‌نگار کشور را تعیین کند. اگر این نهاد به سوی بازنگری عمیق ارزش افزوده حرکت و در کنار آن پایه‌های مالیاتی به‌منظب با ثروت و عایدی سرمایه را تقویت کند، نشان می‌دهد عدالت در سیاستگذاری اقتصادی به صورت عملی دنبال می‌شود و طبعاً چنین تغییری می‌تواند اقتصاد را از اتکالی سنگین به مالیات غیرمستقیم جدا کند و مسیر تازه‌ای برای تأمین در آمد دولت بگشاید که هم به نفع مردم و هم به نفع آینده اقتصاد کشور مان است.

مردم باید هنگام خرید کالاهای اساسی، فشار غیرمنطقی حس نکنند و تولیدکنندگان نیز به جای درگیری با فرایندهای اداری ممتد، وقت و سرمایه خود را صرف تولید کنند. کارشناسان اقتصادی در سال‌هاست هشدار می‌دهند که اتکالی بیش از حد به مالیات غیرمستقیم، آثار توری می‌نرساند و نیاز به همراه دارد. اکنون زمان آن رسیده‌است که این نگاه اصلاح و سیاست مالیاتی جدیدی تدوین شود که توان تطبیق با واقعیت‌های امروز اقتصاد را داشته باشد. بازنگری در مالیات ارزش افزوده، اگر با برنامه‌ریزی دقیق و اجرای مرحله‌ای همراه شود، می‌تواند نقطه آغاز تغییری باشد که سال‌ها به تعویق افتاده‌ است. ۹۰۰ همت در آمدی که از این مسیر به دست می‌آید، با ساختار فعلی هزینه‌های سنگینی بر مردم تحمیل می‌کند و در بلندمدت پایداری ندارد.



گزارش یک
یمنار قاسمی

تولید خودروهای کم‌مصرف در مدت یک‌سال، یکی از فائزتری تر یسن رؤیاهایی است که رئیس‌جمهور در سر دارد. مسعود پزشکیان به خودروسازان یک سال مهلت داده‌ است مو تور خودروها را اصلاح کنند و مصرف سوخت را کاهش دهند، اگر چنین نشود، نه ارز در یافت خواهند کرد و نه اجازه تولید دارند. تجربه نشان داده‌ است اینگونه هشدارها بدون ضمانت اجرایی در مقابل خودروسازانی که همیشه از دولت طلبکار هستند، کارساز نیست. پیش از این ضرب‌الاجل‌های بسیاری به این صنعت داده شده، اما در حد حرف و شوی سیاسی باقی مانده‌ است. در شرایطی که خودروسازان حتی در تولید ساده‌ترین خودروهای شان ناکام مانده‌اند، چگونه می‌توان ورود تکنولوژی جدید و تولید خودروهای کم‌مصرف را انتظار داشت؟ اگر خودروسازان بعد از یک سال موفق به تولید خودروی کم‌مصرف نشوند، به راستی دولت تولیدشان را متوقف خواهد کرد؟ پس تکلیف بازپز داخت ۴۰۰ همتی که اخیراً از بانک مرکزی اعتبار گرفته‌اند چه می‌شود؟

■ ■ ■

گوش مردم از مشکلات صنعت خودرو و ظلم‌شان به مصرف‌کننده ایرانی پر شده‌ است. شرایط فعلی این صنعت به این صورت است که زمان آغاز به کار دولت وفاق (ریاست جمهوری مسعود پزشکیان)، قیمت خودروی اقتصادی کوپیک ۲۰۰ میلیون تومان بود، اکنون بعد از یک سال و چند ماه به ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان رسیده‌ است.

در شرایطی که خودروسازان با قلندری تحویل خودروها و توزیع را متوقف کرده و در بازار آزاد خودرو را به گران‌ترین قیمت‌ها رسانده‌اند، از دولت اعتبار ۴۰۰ همتی دریافت می‌کنند، آیا برای چنین صنعتی که پول و خودروهای مردم را گرو گرفته‌ است می‌توان ضرب‌الاجل تعیین کرد؟

رئیس‌جمهور در زمان تبلیغات انتخاباتی معتقد بود: همه ماشین‌ها را از چین وارد کردیم و قیمت ماشین‌ها را چند برابر در اینجا می‌فرشیم، باید واردات خودروها از راهی مردم آزاد شود. وی خطاب به دولت می‌گفت: چه بلایی سر مردم آوردیم، با خودروهایی که تولید کردیم، مملکت را به کجا رسانده‌ایم که مردم حتی به واردات خودروی دست دوم هم اقدام ندهند. ماشین ۲۰ هزار دالری را ۱۰۰ هزار دلار به مردم می‌فرشویم، واردات خودرو را آزاد می‌کنیم... اکنون بدون توجه به فهرست قیمتی خودروهای قدیمی و بی‌کیفیت و کارخانه و بازار آزاد و تضعیف حقوق اقدار، صنعت ضعیف جامعه، دولت به دنبال اصلاح مصرف سوخت خودروهای داخلی است.

مسعود پزشکیان تصور می‌کند زمان انتخابات ریاست جمهوری است و شوی سیاسی اجرا می‌کند. فارغ از کیفیت پایین و مصرف بالای خودروهای ایرانی، ذکر

این نکته ضروری است که همین موتورهای فعلی به بنزین ۹۵ کان نیاز دارند که موجود نیست، به همین دلیل مصرف‌شان بیشتر از حد استاندارد است.

صنعت خودرو زیر تیغ

در وضعیتی که صنعت خودرو با زبان انباشته بالایی روبه‌رو است و در تحویل خودروهای پیش‌ثبت‌نامی مردم ناکام مانده، ضرب‌الاجلی از رئیس‌جمهور دریافت می‌کند که نه ضمانت اجرایی دارد و نه قابل اجراست. جلسه روز یک‌شنبه هیئت دولت، یک پیام برای خودروسازان داشت: «یک سال فرصت دارید موتور خودروها را اصلاح کنید و مصرف سوخت را کاهش دهید، و گرنه نه ارز در یافت خواهید کرد و نه اجازه تولید خواهید داشت.» این ضرب‌الاجل نشان می‌دهد دولت قصد دارد صنعت خودرو را با اقدامات عملی، کنترل‌شده و قابل اندازه‌گیری به مسیر درست هدایت کند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور با اشاره به اهمیت مدیریت انرژی و کاهش مصرف سوخت تصریح کرد که از ابتدای شروع به کار، مسئله ناترازی انرژی برای دولت یکی از اولویت‌های اصلی بوده‌ است

و حرکت به سمت فناوری‌های نوین و خودروهای برقی، نه تنها یک ضرورت محیط‌زیستی، بلکه یک استراتژی اقتصادی برای کاهش وابستگی به منابع خارجی و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی است. بحران اصلی صنعت خودرو می‌گوید: «مصرف پزشکیان خطاب به وزیر صمت دستور داد پیام



گزارش یک
یمنار قاسمی

رؤیای تولید خودروهای کم‌مصرف

تهدید شدید و فوری پزشکیان به خودروسازان

رئیس‌جمهور خطاب به خودروسازها: یک سال فرصت دارید موتور خودروها را اصلاح کنید و مصرف سوخت را کاهش دهید و گرنه نه ارز در یافت خواهید کرد و نه اجازه تولید خواهید داشت



آرش خاموشی | ایسنا

دولت را به وضوح به خودروسازان منتقل کند: اصلاح موتور و کاهش مصرف سوخت دیگر یک انتخاب نیست، بلکه شرط ادامه فعالیت در صنعت خودرو است. در این مسیر، دولت آمادگی دارد از شرکت‌هایی که نیازمند فناوری‌های روز دنیا هستند، حمایت کند و مسیر دسترسی به این فناوری‌ها را برای آنها هموار سازد.

این تصمیم در حالی اتخاذ شده‌ است که طی سال‌های گذشته بارها به خودروسازان هشدار داده شده بود باید کیفیت خودروها و مصرف سوخت را بهبود بخشند. (در دولت پیشرفته و موتورهای جدید دو سال تعیین شد) اما این شرکت‌ها با بهانه‌هایی از جمله هزینه بالا، محدودیت فناوری، تحریم‌ها و مشکلات تولید، اجرای الزامات را به تأخیر انداختند. می‌دهد دولت قصد دارد صنعت خودرو را با اقدامات عملی، کنترل‌شده و قابل اندازه‌گیری به مسیر درست هدایت کند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور با اشاره به اهمیت مدیریت انرژی و کاهش مصرف سوخت تصریح کرد که از ابتدای شروع به کار، مسئله ناترازی انرژی برای دولت یکی از اولویت‌های اصلی بوده‌ است

و حرکت به سمت فناوری‌های نوین و خودروهای برقی، نه تنها یک ضرورت محیط‌زیستی، بلکه یک

استراتژی اقتصادی برای کاهش وابستگی به منابع خارجی و ارتقای کیفیت تولیدات داخلی است. بحران اصلی صنعت خودرو می‌گوید: «مصرف

سوخت بالا و آلودگی هوا در کشور ما در سطح فاجعه‌باری قرار دارد و بخش عمده‌ای از آن به عدم بهره‌وری و قدیمی بودن خودروهای موجود باز می‌گردد. این مسئله نه تنها سرمایه ملی را می‌سوزاند، بلکه سلامت و کیفیت زندگی مردم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

وی می‌افزاید: بیش از ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار خودروی تولید انبوه کشور بر پایه پلتفرم‌های قدیمی ساخته می‌شوند و توان اصلاح و به‌روزرسانی آنها محدود است. برای رسیدن به موتورهای کم‌مصرف و مدرن، نیازمند دانش فنی پیشرفته و موتورهای نسل جدید هستیم. بسیاری از خودروسازان جهانی، حتی برخی شرکت‌های چینی، در این زمینه موفق عمل می‌کنند، اما ورود چنین فناوری‌هایی به ایران با محدودیت‌ها و ریسک‌های تحریم همراه است. صدایی دربارۀ ظرفیت خودروسازان داخلی می‌گوید: «توان مالی آنها محدود است و بسیاری با زبان انباشته و تهدید ورشکستگی روبه‌رو هستند، بنابراین تحقق وعده کاهش مصرف سوخت بدون حمایت مالی و همکاری با شرکت‌های خارجی تقریباً غیرممکن است.»

وی می‌گوید: حتی اگر بتوانیم موتور جدیدی از خارج وارد کنیم، نصب و هماهنگی آن با پلتفرم‌های قدیمی خودروها فرایندی چندساله است. بررسی‌های

در شرایطی که خودروسازان با قلندری تحویل خودروها و توزیع را متوقف کرده و در بازار آزاد خودرو را به گران‌ترین قیمت‌ها رسانده‌اند، از دولت اعتبار ۴۰۰ همتی دریافت می‌کنند، آیا برای چنین صنعتی که پول و خودروهای مردم را گرو گرفته‌ است می‌توان ضرب‌الاجل تعیین کرد؟

مهندسی، تست‌های عملکردی و هماهنگی با بدنه، گیربکس و استاندارد‌های محیط‌زیستی باید طی سال‌ها انجام شود و نمی‌توان انتظار داشت در یک سال به نتیجه برسد. صدایی تأکید می‌کند: تصمیمات لازم در گذشته بموقع اتخاذ نشده و این باعث شده‌ است امروز صنعت خودرو با محدودیت‌های شدید مالی و تکنولوژیک روبه‌رو باشد. اگر اصلاح موتور‌ها بموقع انجام نشود، دولت مجبور به بازنگری در سیاست تخصیص ارز و صدور مجوز تولید خواهد شد که احتمالاً قیمت خودرو و تیراژ تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در پایان، صدایی وضعیت فعلی بازار خودرو را کودی توصیف و پیش‌بینی کرد با نزدیک شدن به پایان سال و سال نو، تقاضا کمی افزایش یابد، اما انتظار گرمی بازار مانند سال‌های گذشته وجود ندارد. او همچنین تأکید کرد که تنها راهکار واقعی کاهش مصرف سوخت یا همکاری با شرکت‌های خارجی برای واردات فناوری‌های جدید است یا بهینه‌سازی ماندنسی موتورهای موجود تا تحت حمایت که این موضوع نیز محدودیت‌های خود را دارد.

وضعیت فعلی صنعت خودروی ایران

به گزارش تسنیم، صنعت خودروی ایران با چالش‌های ساختاری و فناوری روبه‌رو است که اجرای فوری دستور رئیس‌جمهور را پیچیده می‌کند: – وابستگی به واردات قطعات کلیدی باعث می‌شود هرگونه محدودیت ارز، تولید را با اختلال مواجه کند.

– قدیمی بودن پلتفرم‌ها و مصرف بالای سوخت، اصلاح سریع موتور و ارتقای استاندارد ها را دشوار می‌کند.

– کیفیت پایین و ضعف ایمنی برخی خودروها، نیاز به اصلاح اساسی در خطوط تولید را ضروری کرده‌ است.

– کمبود عرضه و افزایش تقاضا در بازار داخلی، هرگونه توقف ناگهانی تولید را به یک چالش اقتصادی و اجتماعی تبدیل می‌کند.

گفت‌وگوی «جوان» با کریم یزدی‌خواه، کارشناس اقتصادی

نظام بانکی در چنبره گروهی خاص

نظام بانکی ذخیره جزئی چگونه به تبعیض و بی‌عدالتی در خلق پول و تورم‌های افسارگسیخته در کشور منجر شده است؟

تولید را به حرکت در آورد، در خدمت ثروت‌اندوزی گروه‌های خاص قرار گیرد و فاصله طبقاتی روزبه‌روز عمیق‌تر شود.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به ریشه این تبعیض در انتقال قدرت خلق پول از حاکمیت به بخش خصوصی و از دست دادن کامل این قدرت یا نقش سرافرازانه در تبعیض ساختاری در آنجاست که بانک‌ها پس از خصوصی‌سازی و رهایی از نقش صرفاً خدمات مالی، عملاً به هلدینگ‌های بزرگ اقتصاد تبدیل شدند و تلاش کردند منافع سهام‌داران عمده خود را فراتر از منافع عمومی دنبال کنند. این بانک‌ها با اعطای تسهیلات کلان به شرکت‌های زیرمجموعه، منابعی را که متعلق به سپرده‌گذاران و جامعه است، به گونه‌ای تخصیص می‌دهند که ریسک آن برای مردم و سود آن برای ذی‌نفعان خاص باشد.

وی در ادامه گفت: در مقابل، برای یک جوانی که قصد ازدواج دارد یا خانواده‌ای که نیازمند وام‌خرد برای رفع مشکلات معیشتی است، پیچیده‌ترین موانع اداری، وثایق سنگین، ضامن‌های متعدد و اقساط سنگین در نظر گرفته می‌شود، گویی مردم عادی باید تاوان ناکارآمدی نظام بانکی را با حمت و فشار بزرنگی روزمره خود بپردازند.

یزدی‌خواه در پایان خاطر نشان کرد: این عملکرد ساختار خاص و تضادفقرین با منافع ملت و به نفع طلی سالیان مختلف به تدریج نهادینه شده و اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ است که منافع بخش کوچکی از صاحبان قدرت و سرمایه را بر رفاه اکثریت مردم ترجیح می‌دهد.

وی در ادامه افزود: خلق پول نظام بانکی در حالی است که باید به عنوان نهادی برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و تولید ایجاد شود، ولی بانک‌ها، مسیر خود را به سمت تخصیص منابع به پروژه‌های کم‌ثبات، معاملات سوداگرانه یا شرکت‌های وابسته تغییر داده‌اند. این تغییر جهت موجب شده است قدرت خلق پول که باید چرخ

در خلق پول بدون پیوست تولیدی، شفاف‌سازی تسهیلات کلان و اعمال نظارت قاطع بانک مرکزی بر دارایی‌ها و ترانزاکت‌ها انجام‌شود.

تورم دشمن معیشت مردم است اما این دشمن نه در وام ازدواج است نه در وام فرزندآوری، بلکه در خلق پول غیرمولد و سوداگری نظام بانکی ریشه دارد، پس برای دفاع از اقتصاد ملی، باید به‌جای قربانی کردن حمایت‌های اجتماعی، ساختار بانکی ناعادلانه را اصلاح کرد تا خلق پول به نفع تولید، اشتغال و رفاه عمومی هدایت شود، نه در خدمت گروهی خاص و تضادفقرین با منافع ملت و به ن ترتیب باید به نظام ذخیره کامل بانکی بازگردیم و تنها راه برون‌رفت از این رانت‌افزایی در نظام بانکی این است که به کنترل کامل خلق پول از سوی حاکمیت بازگردیم.

«نظام ذخیره جزئی»

موتور خلق نقدینگی و تورم مضاعف کریم یزدی‌خواه، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به معایب فراوان نظام ذخیره جزئی خاطر نشان کرد: تفاوت فزاتری شبکه بانکی ذیل نظام ذخیره جزئی در تخصیص منابع و نحوه بازپرداخت تسهیلات، نتیجه شکل‌گیری نوعی ساختار متوسط و ضعیف جامعه تولیدی شده، در حالی که منافع خلق پول غیرمولد به جیب گروه محدودی از زیرمجموعه‌های شبکه بانکی می‌رود، بنابراین اگر قرار است علاجی ریشه‌ای برای تورم و ناترازی اقتصاد ایران یافت شود، نقطه آغاز نه حذف و عدم پرداخت تسهیلات خرد حمایتی از مردم در قانون بودجه، بلکه اصلاح نظام بانکی، توقف تسهیلات دهی به زیرمجموعه‌ها، محدودیت

جدیدی خلق می‌کنند تا بدهی‌های گذشته خود را که بدون بازده بوده‌اند، استمهال کنند، نقدینگی بدون پشتوانه و فاقد اثر مثبت بر تولید به‌طور مستمر افزایش می‌یابد. این نقدینگی متورم در نهایت به بازارهای املاک، ارز، طلا و دارایی‌های مجازی راه می‌یابد و محرک اصلی افزایش قیمت‌ها در تمام ابعاد زندگی مردم می‌شود.

در چنین وضعی، اگر میلیارد‌ها تومان وام‌خرد نیز پرداخت نشود، دامادی که خلق پول بانکی در مسیر غیرمولد ادامه دارد، تورم نه فقط کاهش نخواهد یافت تحت نفوذ جریان بانکی و محدودیت منابع خطای فاحشی است اگر تصور شود با محدودکردن وام‌های ازدواج و فرزندآوری یا حذف کمک‌های حمایتی از بودجه، می‌توان با تورم مبارزه کرد، زیرا منشأ اصلی تورم جای دیگری است که از آن شاهد شکل‌گیری خلق پول غیرمولد هستیم، یعنی در نظام بانکی ذخیره جزئی که خلق‌کننده بدهی‌های بی‌پشتوانه و ناترازی‌های پنهان انباشته، در ترانزاکت در این میان نقش بانک مرکزی بسیار مهم و حیاتی است اما متأسفانه طی سال‌های اخیر این نهاد به‌جای ایفای نقش تنظیم‌گر و ناظر مقتدر، به ساختار خود را به سمت تخصیص منابع طلی سالیان مختلف به تدریج نهادینه شده و اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ است که منافع بخش کوچکی از صاحبان قدرت و سرمایه را بر رفاه اکثریت مردم ترجیح می‌دهد.

وی در ادامه افزود: خلق پول نظام بانکی در حالی است که باید به عنوان نهادی برای حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و تولید ایجاد شود، ولی بانک‌ها، مسیر خود را به سمت تخصیص منابع به پروژه‌های کم‌ثبات، معاملات سوداگرانه یا شرکت‌های وابسته تغییر داده‌اند. این تغییر جهت موجب شده است قدرت خلق پول که باید چرخ

نبود نظرات بانک مرکزی به سمت سندسازی‌های جدید و چپاول جیب مردم رفتند و هر جایز گند کار درآمد، با اضافه برداشت یا ایجاد زبان انباشته، وضعیت را بیشتر از قبل پیچیده‌تر کردند و بانک مرکزی هم‌انگار نه انگار فقط به عنوان ناظر بیرونی در حال نگاه کردن به این وضعیت بغرنج بود.

مردم وضعیت واقعیت تلخی است که در شبکه بانکی کشور دوگانه‌ای ناعادلانه را شکل داده‌ است: از یک‌سو وام‌های کلان بانرخ‌بهره ترجیحی، دوره‌های بازپرداخت بلندمدت و سازوکارهای پلکانی بازپرداخت، تسهیلات با وام‌بسته و سهام‌داران عمده بانک‌ها از پستی اعطای می‌شود و از سوی دیگر مردم برای دریافت وام‌های خرد حمایتی با صف‌های سنگین، وثایق سنگین‌تر، ضامن‌های متعدد و اقساط غیر پلکانی و زیاد روبه‌رو هستند، در حالی که برای وام‌های کلان، ماه‌های ابتدایی بازپرداخت عملاً ناچیز بوده و سپس با تورم، اقساط افزایش می‌یابد تا ارزش واقعی بدهی با گذشت زمان کاهش یابد اما خانواده‌هایی که وام ازدواج یا فرزندآوری در یافت می‌کنند، باید از ابتدا اقساطی ثابت و سنگین را پرداخت کنند.

این تفاوت رفتاری در تخصیص منابع بانکی و نحوه بازپرداخت، نشانی روشن از تبعیض ساختاری و اولویت‌دهی بانک‌ها به منافع گروه‌های محدود و خاص است. چنین عملکردی اساساً برخلاف رسالت بانکداری به عنوان نهاد خلق اعتبار برای توسعه اقتصادی و رفاه عموم مردم است و به سازوکاری مبدل شده که در آن منابع عمومی برای سودجویی گروهی کوچک مصرف می‌شود و هزینه‌های آن بر دوش مردم می‌افتد.

این روند، دلیل اصلی شکل‌گیری چرخه معیوب تورم در اقتصاد کشور است. هنگامی که بانک‌های ناتراز برای فرار از ورشکستگی پنهان خود، تسهیلات

تفاوت رفتاری در تخصیص منابع بانکی و نحوه بازپرداخت، سندی روشن از تبعیض ساختاری و اولویت‌دهی بانک‌ها به منافع گروه‌های محدود و خاص است. اگر قرار است علاجی ریشه‌ای برای تورم و ناترازی اقتصاد ایران یافت شود، نقطه آغاز نه حذف و عدم پرداخت تسهیلات خرد حمایتی از مردم در قانون بودجه، بلکه اصلاح نظام بانکی، توقف تسهیلات دهی به زیرمجموعه‌ها، محدودیت در خلق پول بدون پیوست تولیدی، شفاف‌سازی تسهیلات کلان و اعمال نظارت قاطع بانک مرکزی بر دارایی‌ها و ترانزاکت‌ها انجام‌شود.

■ ■ ■

یکی از مشکلات اصلی نظام خلق پول در کشور، نقدینگی منجر شده‌ است. نمونه اخیر از بین بانک‌هایی که این اقدامات خلاف قانون را انجام دادند، بانک آینده بود که منحل شد.

یکی از شرگدهای بانک‌های خصوصی این است که بیشترین میزان پرداخت تسهیلات و اعتبارات بانکی خود را به زیرمجموعه‌های خود پرداخت می‌کنند که همین مورد نشان از انحراف از اهداف خلق خلق پول به بانک‌های خصوصی دارد ولی به همین نقطه متوقف نمی‌شوند و با آن تسهیلات، پروژه‌ای را به بهره‌برداری رساندند که ارزش آن یک‌دهم آن سند در اختیار بانک بود ولی با حساب‌سازی پروژه را چند برابر قیمت واقعی خود به ثبت رساندند و به این ترتیب هم با پرداخت تسهیلات کلان و نکول در بازپرداخت و ادامه دادن این روند در اخذ تسهیلات جدید و استمهال وام قبلی، به تداوم چرخه خلق پول غیرمولد می‌پردازند و هم منافع سهام‌داران را به صورت حداکثری با حساب‌سازی و جعل اسناد و تأیید آن بانک خصوصی و کارشناسان آن، در سایه